+ در «قاب کوچک» بخوانید

پرونده ویژه شبکه مستند

گفت‌وگو با صفر کشکولی، بازیگر نقش‌های منفی

دوست داشتم نقش با مو بازی کنم



۷

جام جم

WWW.JAMEJAMDAILY.IR

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۹ | ۲۱ شوال ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۶۸۰ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Saturday - 2020 June 13



بررسی پشت پرده ورود پول‌های مشکوک به سینما و شبکه نمایش خانگی

پولشویی روی پرده

تهیه کنندگان و کارگردانان با سابقه سینما معتقدند بودجه‌های کلان میلیاردی برای فیلم‌ها و سریال‌های شبکه نمایش خانگی هیچ توجیه اقتصادی ندارد

۱۰

مرگ دلخراش کارگر خوزستانی باعث شد باردیگر خلأهای قوانین حوزه کار نمایان شود

کارگران؛ مجروح کارند



۳

هشدار برای کبرا ۱۱، پس از ۲ دهه طرفداران بسیاری را پای تلویزیون می‌نشاند

همه تصمیم‌های کبرا

هشدار برای کبرا ۱۱ مدت‌هاست که دیگر تنها اسم یک مجموعه نیست و برای خودش به برندی تبدیل شده که بیشتر از ۲۰ سال است هر کدام از ما به شکلی آن را در گوشه ذهن‌مان داریم. تا جایی که اگر هم بخواهیم فراموشش کنیم به لطف حضور همیشگی‌اش در تلویزیون برای چند لحظه کوتاه هم که شده با آن روبه‌رو می‌شویم.

۶

درباره سردار علی فضلی که هنوز همان شکوه و اقتدار سابق را دارد

یک کوه، آهن



۱۱



ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های آمریکا علیه ایران در گفت‌وگوی اختصاصی با جام جم:

تحریم‌های اوباما مؤثرتر بود

+ گزارش جام جم از تحولات جدید در آستانه پایان تحریم تسلیحاتی ایران

عکس: chatamHouse

۲و۸

بیشتر بخوانید

مرور اظهارات مدیر سابق استقلال به بهانه پرونده ۱۰ میلیاردی مربی آلمانی

فسخ قرارداد شفر بدون هزینه؟

۴

ابراز ارادت به سبک دیوی به بهانه ۳۶ سالگی هوتن شکیبا

از هوتن شکیبا متنفرم!

۹

۳۶ روز بعد از سوختن کپرهای جنگلوک از حال‌وروز مردم این منطقه پرسیدیم

بازدیدهای بی‌فایده

۱۶

کافه میرداماد

گفت و گو با هوشنگ توکلی درباره سبک زندگی کارگری

بیمه‌ها حامی کارگران نیستند

۲۰

یادداشت

بسته تحریمی جمهوریخواهان چه اهدافی دارد



ابوالفضل عمویی

نماینده مجلس

کمیته مطالعاتی جمهوریخواهان از بسته جدید تحریمی برای تصویب علیه ایران در کنگره آمریکا رونمایی کرده است. مرور ۲۵ دستورالعمل این بسته تحریمی نشان می‌دهد بانیان آن سعی کرده‌اند مجموعه‌ای بسیار منسجم و سختگیرانه را در مورد تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهایی که با ایران همکاری دارند، تدوین کنند. این تحریم‌ها همکاری جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مختلف از جمله کشورهای حوزه مقاومت و نیز دولت‌هایی که با ایران روابط نزدیکی دارند را هم هدفگیری کرده است.

اما این‌که چرا این تحریم‌ها در این مقطع زمانی رونمایی شد، بخشی از آن به شرایط داخلی آمریکا بر می‌گردد. در حال حاضر دو موضوع شامل بیماری کرونا و اعتراضات ضد نژادپرستی که اخیرا در آمریکا در جریان است، محبوبیت دونالد ترامپ در جایگاه رئیس جمهوری آمریکا را با چالش جدی مواجه کرده است. نگرانی جمهوریخواهان از این شرایط بسیار بالاست و آنها دغدغه بقای حاکمیت این حزب بر کاخ سفید را دارند. بر این اساس به نظر می‌رسد جمهوریخواهان تندرو در حال تلاشند تا ضدیت با جمهوری اسلامی ایران را در داخل ساختار حاکمیت آمریکا تثبیت کنند و مانع شوند که این سیاست‌ها به هر نحوی در آینده رفع شود؛ به عنوان مثال در صورت تصویب طرح جدید جمهوریخواهان، هر کسی که بعد از این در کاخ سفید باشد بدون مجوز کنگره نمی‌تواند تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را بردارد.

باید بدانیم در داخل جمهوریخواهان جریانات مختلفی وجود دارد. بخشی از این جریان‌ها، گروه‌هایی هستند که بیش از آن‌که به منافع آمریکا توجه کنند منافع رژیم صهیونیستی را در ساختار آمریکا دنبال می‌کنند و بیشتر به عنوان جناح نومحافظه‌کار شناخته می‌شوند. این گروه در تلاش است از همکاری جاری ترامپ و صهیونیست‌ها بیشترین بهره را ببرد و سیاست‌های حمایتی از اسرائیل را تثبیت کرده و اجازه ندهد کسی در آینده این سیاست‌ها را به چالش بکشد.

بررسی جزئیات بسته جدید تحریمی نیز نکات جالب توجهی دارد؛ زیرا اگرچه در بسته تحریمی جمهوریخواهان کنگره، موارد جدیدی مشاهده می‌شود، مثل تحریم همکاری‌های اقتصادی ایران با عراق و تحریم علیه انصارا... یمن، اما عمده تحریم‌ها تکراری بوده که با عناوین جدیدتری ارائه شده است. از این جهت، جنبه عملیات روانی این تحریم‌ها بیش از ماهیت اجرایی آن است.

از سوی دیگر باید در نظر داشت اگرچه بخشی از دلایل ارائه این بسته تحریمی به اختلافات داخلی آمریکا و تلاش جمهوریخواهان برای مقابله با سیاست‌های دموکرات‌ها برمی‌گردد؛ اما هیچ‌یک از این دو حزب در جهت منافع ایران کار نخواهند کرد و اگرچه مثلا جو بایدن، نامزد دموکرات‌ها بیان کرده که سیاست‌های ترامپ علیه ایران را قبول ندارد و تلاش می‌کند تغییراتی در این سیاست‌ها ایجاد کند، اما دموکرات‌ها نیز قرار نیست گامی در جهت اصلاح سیاست‌های این کشور بردارند و ایران فارغ از تحولات داخلی آمریکا و این‌گونه نمایش‌های تحریمی، سیاست‌های خود در پیشبرد منافع ملی و منطقه‌ای را دنبال خواهد کرد و این تحریم‌ها حتی در صورت تصویب، اثر خاصی در وضعیتی که داریم ایجاد نمی‌کند.

دیدگاه

لزوم تغییر قانون به نفع کارگران



حمید حاج اسماعیلی

کارشناس بازار کار

متاسفانه بی‌توجهی به معیشت کارگران باعث بروز مشکلاتی می‌شود که در برخی موارد امکان جبران وجود ندارد. با توجه به افزایش تعداد نیروهای مشمول قانون کار نسبت به کارمندان دولت، باید قوانین مربوط به این حوزه تغییر کند و ساختار جدیدی برای آن تعریف شود. شاهدیم دولت هنوز به طور شفاف دایره مشمولیت قانون کار در کشور را تعریف نکرده و آنچه در ماده ۱۸۸ قانون کار آمده با آنچه اکنون اجرا می‌شود، تفاوت دارد که باید اصلاح شود.

موضوع بعدی که باید مورد توجه قرار گیرد به مدیریت خدمات کشوری برمی‌گردد. در ادوار قبلی مجلس مصوب شد دولت می‌تواند در بخش‌های خدماتی از شهرداری‌ها و بخش خصوصی استفاده کند؛ اما حضور پیمانکاران در ادارات دولتی متاسفانه نامشخص است و روند برگزاری مناقصات شفاف نیست.

دلیل تصویب این قانون، محدودیت به کارگیری نیروی انسانی توسط دولت به دلیل قوانین موجود بود تا شرکت‌های پیمانکاری خارج از مسیر استخدامی بتوانند اقدام به جذب نیرو کنند و در آن اداره مشغول به کار شوند؛ در حالی که در قانون ذکر شده تنها در بخش خدماتی دولت می‌توانند این کار را انجام دهد، اما متاسفانه شاهد واگذاری بخش بهداشت و درمان به نیروهای پیمانکاری هستیم که ممکن است سلامت مردم را به خطر بیندازد. شرکت‌های پیمانکاری هم برای کسب سود بیشتر سعی می‌کنند تا جایی که ممکن است از حواشی هزینه‌ها بزنند که نتیجه این کار تحمیل فشار به کارگر و خانوارهای کارگری است.

حضور شرکت‌های پیمانکاری در بدنه دولت برای اراده خدمات بخش خدماتی کار مفیدی بود، اما رفته رفته همه اقدامات دستگاه‌ها به پیمانکار واگذار شد. این در حالی بود که دو دستگی در دستگاه‌های دولتی را از نظر حقوق و مزایا به دنبال داشت. فردی که به صورت مستقیم با دولت قرارداد دارد با فردی که با پیمانکار قرارداد امضا می‌کند، تفاوت حقوق زیادی دارند و دولت باید با یک اقدام صحیح، دستمزد افرادی که در یک بخش فعالیت دارند را یکسان کند.

اکنون مزایا به کارگران پیمانکاری بخش‌های دولتی داده نمی‌شود. اکنون پیمانکاران حقوق خود را از حقوق کارگران تامین می‌کنند که برای تقویت قدرت خرید این بخش حتما قانون باید اصلاح شود. وزارتخانه‌های دولتی همه واحد نیروی منابع انسانی دارند که می‌توانند با این افراد قرارداد یکساله منعقد کنند و فعالیت پیمانکاران در بخش‌های تخصصی باید به صورت پروژه‌ای مانند راهسازی، نفتی و حوزه‌های دیگر باشد.

حضور پیمانکاران و کاهش قدرت خرید کارگران به معنای بی‌توجهی به سرمایه‌های نیروی انسانی کشور است که جمعیت زیادی را تشکیل می‌دهند. کارگران اکنون از مشکل امنیت شغلی رنج می‌برند و دولت باید نسبت به رفاه کارگران و رشد دستمزد اقداماتی انجام دهد که در دو سال گذشته خیلی در این زمینه کوتاهی شده است.

درنگ

بالای جریان نفت



علیرضا رأفتی

روزنامه‌نگار

زل می‌زند در چشم‌های قاضی و می‌گوید: اگر بگویم کل لواسان را به نام من بکن، می‌کند، چون رفیقیم! دادستان می‌گوید: بله آقای قاضی، ایشان با بیشتر متهمان اقتصادی رفیق بوده‌اند و رفاقتی خیلی کارها برایشان کرده‌اند. کل لواسان و کارخانه و چه و چه همه دارایی رفقای طبری نبود عمران‌جان! ولی اشک همه دارایی رفقای تو بود. رفیق خوب است همه دارایی‌اش را خرج رفیقش بکند. تو که از لوله‌های نفتی حلق‌آویز شده بودی و بالای جریان نفت تاب می‌خوردی ندیدی رفقایت چطور پایین پایت جمع شده بودند و اشک می‌ریختند.

اشک، همه دارایی تو و رفقایت بود. شب‌ها که اهل خانه خواب‌شان سنگین می‌شد یا دم غروب که نسیم ملایم می‌کشید روی هرم گرمای لوله‌های نفتی و دانه‌های عرق روی پیشانی‌ات خنک می‌شدند یا آن وقت‌های استراحتی که از جمع همکارانت جدا می‌شدی و کنار می‌گرفتی، خلاصه هر وقتی که تنها می‌شدی و تنهایی‌ات را لمس می‌کردی، آرام کیسه دارایی‌ات را بیرون می‌آوردی و دانه دانه می‌شمردی‌شان. اشک‌های مقدسی که همه چیز بودند.

الان که من زیر خنکای کولر گازی نشسته‌ام، می‌توانم به همه ابعاد کاری که تو کردی فکر و زیر و بم اسناد پیمانکار و نامه‌های وزیر را زیر و رو کنم. الان من می‌توانم ببینم پیمانکار گفته فقط یک ماه حقوق را پرداخت نکرده و نمی‌داند یک ماه بدون حقوق یعنی چه. الان می‌توانم تحلیل‌های کارشناسان پرونده را بخوانم که برخی گفته‌اند احتمال دارد علت خودکشی فقر و عدم پرداخت حقوق نباشد. اما تو آن موقع نمی‌توانستی به این چیزها فکر کنی.

آن موقع که بالای جریان نفت تاب می‌خوردی حکماً اگر فکری هم به سرت زده، فکر چشم‌های همسرت بعد از شنیدن این خبر بوده. آدم این‌طور موقع‌ها نمی‌تواند فکر فلسفه تاب خوردن بالای جریان نفت بیفتد. نمی‌تواند فکرش برود سمت این که این جریان نفت از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. به این که این لوله‌ها می‌روند تا پالایشگاه و می‌رسند تا نفتکش‌های صادرات و حواله‌شان می‌رسد روی میزهای تهران و یکی میان راه پاتکی می‌زند و رفاقتی چند قطره‌اش را می‌چکاند پای سند کل لواسان که به نام رفیقش کند. آدم آن موقع نمی‌تواند به این چیزها فکر کند عمران جان! حتی نمی‌تواند به این فکر کند که اینجا هویزه است. هویزه هنوز بعد از ۴۰ سال بوی خون ورد تانک به تن عرق کرده‌اش مانده. اینجا بود که سال ۵۹ نبرد تن به تانکش معروف شد. جوان‌هایی که روی این خاک فرش شدند تا دست بیگانه به این لوله‌های نفتی نرسد. تا ۴۰ سال بعد پیمانکار این لوله‌های نفتی یک ایرانی باشد که زبان کارگر را بفهمد. کسی که بداند حقوق کارگر اگر سر موقع هم پرداخت شود به آخر ماه نمی‌کشد، چه برسد به این که یک ماه هم همان ته پیاله را در کاسه‌اش نریزند. آدم وقتی طناب را دور گردنش سفت می‌کند که نمی‌تواند به این چیزها فکر کند عمران جان! نهایتش بتواند چشم‌های مادر و همسرش را به یاد بیاورد.

خودنویس

با تخفیف چند آقاسید؟



حامد عسکری

شاعر و نویسنده

چشم‌هایی میشی رنگ... محاسنی قهوه‌ای سیر و آنکادر شده. لبخندی ملیح و نگاهی نافذ. به اینها اضافه کنید یک پیراهن تاکتیکال سبز و یک گراندی سبز روشن که به عکس کنتراست محشری داده است. اصلا عکس را که می‌بینی خودبه‌خود در ذهنت می‌آید که بچه سید است و هر اسمی داشته باشد، یک سید اولش در ذهن خودت اضافه می‌کنی. از آن قیافه‌هایی که اگر در نمازخانه یک توقفگاه بین راهی ببینی‌اش، بی آن که متوجه بشود، می‌روی پشت سرش اقامه می‌بندی که بله نمازت به کارت بیاید و شاید بعد از نماز بخواهی با تسبیح تربتش استخاره‌ای هم برایت بگیرد تا بتوانی باب سخن را باز کنی و هم سخنش بشوی.

اما این همه قصه نیست. توضیحات عکس را که می‌خوانی تشتک ذهنت می‌پرد . سید محمود موسوی مجد است. جاسوس اسرائیل و آمریکا که راپورت آمد و شدهای سردار دل‌ها، حاج قاسم عزیز را می‌داده است. او دستگیر و به اعدام محکوم شده است. حیرت آور است. پدربزرگم همیشه می‌گفت شیطان، مرجع تقلید را به شراب نوشیدن و از دیوار مردم بالا رفتن وسوسه نمی‌کند. هر کسی کار خودش. خبرها می‌گوید مراوده داشته توی اطرافیان شهید سلیمانی و این یعنی از جایی گزیده شده‌ایم که فکرش را هم نمی‌کردیم.

به ابعاد جاسوسی و امنیتی و نظامی‌اش اصلا نمی‌خواهم و نمی‌توانم و نباید بپردازم که تخصصش را ندارم. اولین بار که عکسش را دیدم فقط توی چشم‌هایش زل زدم و از عکس پرسیدم به چه قیمتی؟ مثلا چند دلار یا یورو؟ حاج قاسم سلیمانی را چند فروختی که بصرفد و بگویی اگر ننگ و خفتی کشیدم ولی عوض فلان چیز را به دست آوردم؟ داغدار کردن یک ملت، یک تفکر یک ایسم، یک هدف، چقدر می‌شود فاکتورش با تخفیف؟

خبرها می‌گوید محکوم به اعدام شده. من قاضی نیستم؛ ولی اگر بگویند مجازاتی برایش در نظر بگیر، برایش حبس ابد می‌نوشتم. ابد و یک روز. نه توی زندان بلکه در یک اتاق. تمام دیوار و سقف اتاق را می‌دادم با کاغذ دیواری‌هایی که رویش عکس حاج قاسم چاپ شده، آماده کنند و یک تخت بگذارند و چراغ‌های اتاق هم همیشه روشن باشد و هر روز هم یک ساعت این تکه سخنرانی حاج قاسم پخش شود: ما ملت امام حسینیم...



